



پینه‌دوز قدیمی محله امام رضا از کارش برایمان می‌گوید

## شغل بی‌آینده

هم محلی



در خیابان امام رضا به دنبال سوژه بودیم که چشمان به مغازه نقلی اما شلوغ «غلامرضا قلهکی» افتاد. مغازه‌ای شاید ۱۰ متری که کفش‌های کهنه روی هم در آن تلنبار شده و جایی برای سوزن انداختن ندارد. فکر می‌کنم در مغازه کوچک پینه‌دوز علاوه بر کفش‌ها، دنیایی از خاطرات هم روی هم تلنبار شده باشد، برای همین سری به مغازه‌اش می‌زنیم و گفت‌وگویی کوتاه با او داریم. قلهکی متولد ۱۳۴۴ مدت ۴۰ سال است در خیابان امام رضا به کیف و کفش دوزی مشغول است. او از شش سالگی کمک دست پدرش بوده و کفش دوزی را به خوبی یاد گرفته و تا قبل از فوت پدر هم در کنار او مشغول کار بوده است. در سال ۱۳۹۲ که پدرش فوت می‌کند مغازه‌ای اجاره کرده و کارش را مستقل ادامه می‌دهد. آن‌طور که خودش می‌گوید تعمیرات کیف، کفش و چمدان را دوست دارد، برای همین در بین ۴ برادر و ۴ خواهر، او کنار دست پدر می‌ایستد و مشغول به این کار می‌شود.

### ● زائران مشتریانش هستند

او هم به نوعی خادم امام رضا(ع) محسوب می‌شود و خدمتگزار زائران حضرت رضاست. بیشتر همسایگان او را منصف می‌خوانند و از کارش تعریف می‌کنند. به دلیل موقعیت مکانی مغازه‌اش در خیابان امام رضا بسیاری از مشتریان زائران امام رضا(ع) هستند و در روزهایی که مسافر بیشتری برای زیارت به مشهد می‌آیند کار و بار او هم خوب است چون برخی از زائران، کیف و کفش و چمدان برای تعمیر دارند، اما کرونا بازار کار او را کساد کرده است و در حال حاضر فقط مشتریان محلی‌اش را دارد.

قلهکی خدا را شکر می‌کند که به خاطر کار خوبش از زبان مشتریانانش برای پدرش خدایا مرزی می‌فرستد و روزی حلال برای خانواده‌اش می‌برد. تنها نگرانی او از آینده کاری‌اش است که با این همه سال کار و درآمد کم توان پرداخت بیمه را ندارد و بازنشستگی برای او بی‌معناست.

### ● تفاوت دیروز و امروز

این کفش دوز قدیمی از گذشته این شغل این چنین تعریف می‌کند: آن زمان به کفش‌های کهنه لَیخه می‌گفتند و به ما که کار مان دوخت و دوز این کفش‌ها بود هم لَیخه‌دوز می‌گفتند. کم‌کم که سواد مردم بیشتر شد به جای آن به شغل ما تعمیرات کیف و کفش می‌گویند. البته به جز این کفش‌ها، چاروق هم می‌آوردند که امروز کمتر کسی از آن‌ها استفاده می‌کند. چاروق در دو نوع پشت بسته و بدون پشت ساخته می‌شد که کف آن از چرم گاوی و رو به آن اغلب از نخ ابریشم رنگی و سیم گلابتون بافته و تزئین می‌شد. از نظر ظاهری فرم چاروق بسیار ظریف است به طوری که امروزه زنان و دختران از آن به عنوان کفش روفرشی استفاده می‌کنند.

قلهکی درباره تفاوت کفش‌های قدیم با کفش‌های امروزی این چنین توضیح می‌دهد: در قدیم بیشتر کفش‌ها تخت چرمی داشتند و دور تا دورشان می‌خکوب شده بود که امروزه دیگر

از این نوع کفش‌ها تولید نمی‌شود. اگر هم باشد قیمتش خیلی زیاد است. بیشتر کفش‌هایی که این روزها تولید می‌شوند سری دوزی، دور دوز و تخت پرسی هستند. او ادامه می‌دهد: دوروز یک استادکار و شاگرد با هم کار می‌کردند تا بتوانند یک جفت کفش بدوزند که رویه و تخت آن هم چرم بود. هر چند زحمت زیادی داشت، اما پول چندانی بابت آن نمی‌گرفتیم، اما امروزه تولیدی‌ها صبح شروع به کار می‌کنند و تا شب تعداد زیادی کفش تولید می‌شود. آن کفش‌ها کجا و این کفش‌ها کجا، گاهی مشتری‌ها همین کفش‌ها را که چند روز یا یک ماه بیشتر از خریدشان نگذشته برای تعمیر می‌آورند و من هم برای محکم‌کاری دور تا دور کفش‌ها را می‌دوزم. در قدیم هم کفش‌ها برای دوخت و دوز می‌آوردند، اما چون کفش‌ها ارزان‌تر بود عده کمتری کفش‌هایشان را برای تعمیرات می‌آوردند، اما امروز با توجه به گران شدن کفش و درآمد کم مردم نه تنها کفش بیشتری برای تعمیر می‌آورند، بلکه برای خرید کفش مستعمل هم می‌آیند.

او از گذشته این خیابان هم این چنین برایمان تعریف می‌کند: «در قدیم خیابان ضد به همین شکل بود، اما آن زمان مکان پایانه مسافربری امروزی را مفت‌آباد می‌گفتند. اتوبوس‌ها را از خیابان‌های نخ‌ریسی، مقدم و تی‌بی‌تی به اینجا آوردند و کم‌کم پایانه مسافربری مستقر شد و این خیابان هم که به خیابان تهران معروف بود به نام خیابان امام رضا نام‌گذاری شد.» شاید این روزها کسب و کارش خیلی رونق نداشته باشد، اما آن‌طور که تعریف می‌کند در گذشته چند تا مغازه تعمیرات کیف و کفش در همین خیابان مشغول به کار بوده‌اند که استادکاران آن یا فوت کرده یا به خاطر کهنوت سن از کار افتاده‌اند: «شاید این کار به ظاهر آسان باشد، اما فوت و فن خودش را دارد. زمانی که من آمدم و شروع به کار کردم ده‌الی پانزده سال طول کشید تا کامل یاد گرفتیم با پنج یا شش ماه و یک سال نمی‌شود یاد گرفت.»

### ● کفش کار

همان‌طور که مشغول گفت‌وگو بودیم یک نفر به مغازه آمد و کفش کار خواست، در ابتدا تصور کردم از همان‌هایی که در مغازه‌های دیگر می‌فروشند می‌خواهد، اما هر چه در مغازه نگاه کردم لایه‌لای کفش‌های مندرس، کفش کاری ندیدم. از او پرسیدم منظورش از کفش کار چه بود شما که در مغازه‌تان کفش کار ندارید، او نگاهی به من انداخت و با نگاه ریزبینانه‌اش گفت: «منظورش کفش مستعمل و دست دوم است. به این کفش‌ها کفش کار می‌گویند. برخی از مردم ندارند کفش نو بخرند یا برای سرکار رفتن کفش کار بخرند برای همین به اینجا می‌آیند و از من کفش می‌خرند.»

او ادامه می‌دهد: «اگر باز هم به چهل سال پیش برگردم همین شغل را انتخاب می‌کنم هر چند این کار زحمت زیاد و درآمد کمی دارد، اما در نهایت روزی‌اش حلال است» قلهکی از خطرات کارش هم برایمان می‌گوید. از اینکه بارها درفش که یکی از ابزار دوخت کفش است در دستش فرو رفته و مجبور به پانسمان شده است. او می‌گوید: «شغل من شغلی است که باید مورد حمایت باشد چون ما نه بیمه داریم و نه آینده حداقل مسئولان فکری برای کار ما کنند.»

شغل من شغلی است که باید مورد حمایت باشد. مسئولان فکری برای کار ما کنند

